

(۲)

نکاتی چند در باره خصوصیات دستوری تعبیرات و کلماتی که از زبان انگلیسی و فرانسوی ترجمه شده‌اند

الف - مصدرها و اسم مصدرها و اسمها

بسیاری از مصدرهای مرکب فارسی معاصر تازگی دارند و ترجمه از مصدرهای فرنگی‌اند. مثال:

occupier	اشغال کردن
organiser	سازمان دادن
normaliser (...des rapports)	عادی کردن (عادی شدن روابط)
industrialiser	صنعتی کردن

۱. ام مصدرهای یائی ترجمه شده از زبانهای غربی نیز فراوانند مانند :

Classification	طبقه بندی، گروه بندی، دسته بندی
Reception	پذیرائی
Inappetence	بی اشتهائی
Imprudence	بی احتیاطی
Incapacité	بی ظرفیتی

اسمهایی که در فرانسه با پیشوندهای نفی «in»، «im»، «dis»، «me» ساخته شده‌اند در فارسی امروز با «عدم»، «بی»، «نا» ترجمه شده‌اند. مثال برای آنهایی که با «عدم» و بصورت ترکیب اضافی ترجمه شده‌اند :

Incompetence	عدم صلاحیت
Irresponsabilité	عدم مسئولیت

Incertitude	عدم اطمینان
Insuccès	عدم موفقیت
Disproportion	عدم تناسب
Mecontentement	عدم رضایت

مثال برای اسمهایی که با پیشوند «نا» ترجمه گردیده اند :

Insuffisance	نارسایی
Mecontentement	نارضایی

مثال برای اسمهایی که با «بی» و «ی» مصدری ترجمه شده اند :

Indiscipline	بی انضباطی
Irregularité	بی نظمی
Impartialité	بی طرفی

برخی از کلماتی که امروز با «ات» جمع بسته میشوند ترجمه واژه های مفرد فرنگی هستند . مثال :

Exportation	صادرات
Importation	واردات
Propagande	تبلیغات
La presse	مطبوعات
Election	انتخابات

بسیاری از واژه‌هایی که امروز با «یت» (یقه‌ربی) پایان مییابند ترجمه از اسمهای فرانسه یا انگلیسی هستند ، مثال :

Importance	اهمیت
Nationalité	ملیت
Minorité	اقلیت
Majorité	اکثریت
Personnalité	شخصیت (در انگلیسی Personality)
Responsabilité	مسئولیت (در انگلیسی Responsibility)

چنانکه دیده میشود معادل بسیاری از این واژه‌ها در فرانسه با (ité) ختم میشود.

نامهای علوم که در فرانسه با «logie» یا «ique» یا «phie» ختم میشوند در فارسی با «شناسی» در آخر یا شناخت در آغاز کلمه ترجمه شده اند . مثال برای واژه‌هایی که با «ique» ختم شده اند :

Stylistique
linguistique

سبک شناسی
زبان شناسی

مثال برای کلماتی که با logie ختم شده اند :

Psychologie
Sociologie
Biologie
Antropologie

روانشناسی
جامعه شناسی
زیست شناسی
مردم شناسی

مثال برای واژه‌هایی که با «phie» ختم میشوند:

Bibliographie

کتاب شناسی

سابقاً این علوم را با «معرفت» یا «علم» و بصورت ترکیب اضافی عربی ترجمه میکردند. فی‌المثل بجای «زیست‌شناسی»، «علم‌الحيوة» و بجای «روانشناسی»، «علم‌النفس» یا «معرفة‌النفس» میگفتند.

ب - صفات

بسیاری از صفات و ترکیبات وصفی که در فارسی معاصر با غیر، نا، قابل، پذیر، غیر قابل، ناپذیر، خود، پر، انه، نکردنی، نشدنی، ضد، بلاخلاف و فاقد ساخته شده‌اند ترجمه از صفات فرانسوی یا انگلیسی‌اند.

مثال برای صفاتی که با «غیر» ترجمه شده‌اند :

Illegal
Inattendu
Illogique
Impossible
Incivilisé
Indirect
Indistinct
Infaisable

غیر قانونی
غیر مترقبه غیر منتظره
غیر منطقی
غیر ممکن
غیر متمدن
غیر مستقیم
غیر مشخص
غیر عملی

مثال برای صفاتی که با «نا» ترجمه شده‌اند :

desagreable, indésirable
irrégulier
improportionné

نامطبوع
نامنظم
نامتناسب

incompréhensible	نامفهوم
inconvenant	نامناسب
inegal	نامساوی
insensible	نامحسوس

مثال برای صفاتی که با «بی» ترجمه شده‌اند :

illetre	(در انگلیسی illiterate)	بی سواد
inconditionné		بی قید و شرط
impartial		بی طرف
disproportionné		بی تناسب
inattentif		بی دقت
inconsidéré		بی‌ملاحظه
indifférent		بی تفاوت
indiscipliné		بی انضباط

مثال برای صفاتی که با «نشدنی» ترجمه شده‌اند :

interminable	تمام نشدنی
inoublable	فراموش نشدنی
indomptable	رام نشدنی
ineffacable	محو نشدنی

مثال برای صفاتی که با «نکردنی» ترجمه شده‌اند :

Incroyable	باور نکردنی
------------	-------------

مثال برای صفاتی که با «ناپذیر» ترجمه شده‌اند :

immortel	فنا ناپذیر
inlassable, infatigable	خستگی ناپذیر
irreconciliable, inconciliable	آشتی ناپذیر
inèbranlable	تزلزل ناپذیر
incassable	شکست ناپذیر
inlitérable, incorruptible	فساد ناپذیر

مثال برای صفاتی که با «غیر قابل» ترجمه شده‌اند:

imprévisible	غیر قابل پیش‌بینی
indecomposable	غیر قابل تجزیه
immesurable	غیر قابل اندازه‌گیری
improuvable	غیر قابل اثبات
inacceptable	غیر قابل قبول
incalculable	غیر قابل محاسبه
indefendable	غیر قابل دفاع

مثال برای صفاتی که هم با «ناپذیر» و هم با «غیر قابل» ترجمه شده‌اند :

inévitable	غیر قابل اجتناب ، اجتناب ناپذیر
incorrigible	غیر قابل اصلاح ، اصلاح ناپذیر
impénétrable	غیر قابل نفوذ ، نفوذ ناپذیر

مثال برای صفاتی که با «فاقد» ترجمه شده‌اند :

Incompetent	فاقد صلاحیت
-------------	-------------

مثال برای صفاتی که با «بلا» ترجمه شده‌اند :

Inexécuté	بلا اجرا
Immédiate	بلا واسطه
Inconditionné	بلا شرط

مثال برای صفاتی که با جمله وصفی منفی عربی ترجمه شده‌اند :

Illisible	لایقراء
Ininterrompu, sans-cesse	لاینقطع

مثال برای صفاتی که با «خلاف» ترجمه شده‌اند

immorale	خلاف اخلاق
antilogique	خلاف منطق
antilegal, illegal	خلاف قانون
antihumain	خلاف انسانیت

مثال برای صفاتی که با «ضد» ترجمه شده‌اند :

antinationale	ضدملی
anticolonialisme	ضداستعمار
anticommuniste	ضد کمونیست
antipatriote	ضدمیهنی
inconstitutionnel	ضد مشروطه

چنانکه از شواهد یاد شده برمیآید پیشوندهای منفی فرنگی از قبیل il , im , in anti , dis در فارسی با نه، نا، غیر، بی، بلا ، فاقد ، خلاف و ضد ترجمه شده‌اند . و پسوندهای لیاقت ible و able در زبان ما با «پذیر» ، «قابل» ، «نشدنی» و «نکردنی» ترجمه گردیده‌اند .

مثال برای صفات لیاقتی که با «قابل» ترجمه شده‌اند:

imprimable	قابل چاپ
considérable	قابل ملاحظه
defendable	قابل دفاع
acceptable	قابل قبول
profitable	قابل استفاده
reflexible	قابل انمکاس
respectable	قابل احترام
dissoluble	قابل حل

مثال برای صفات لیاقتی که با «پذیر» ترجمه شده‌اند :

evitable	اجتناب پذیر
supoportable	تحمل پذیر
extensible	امتداد پذیر

مثال برای صفات تازه‌ای که با پسوند «انه» ترجمه شده‌اند :

impitoyable	بی رحمانه
impérative	آمرانه
forcene	وحشیانه ، سبانه

مثال برای صفاتی که با «پر» ترجمه شده‌اند :

peuplé	پر جمعیت
--------	----------

مثال برای صفاتی که با «خود» ترجمه شده اند :

automatique

خودکار

مثال برای صفاتی که با فوق ترجمه شده اند :

extraordinaire

فوق العاده

بسیاری از صفات فاعلی مرکب ، صفات نسبی ، فارسی نیز ترجمه از صفات فرنگی هستند .

مثال برای صفات فاعلی مرکب مرخم :

fondateur

بنیان گذار

satisfaisant

رضا یبخش

inspirateur

الهام بخش

isolationniste

انزوا طلب

reformiste

اصلاح طلب

separatiste, scissionniste

نفاق افکن

liberal

آزادیخواه

injurieux

توهین آمیز

aventurier

ماجراجو

مثال برای صفات فاعلی مرکب غیر مرخم :

organisateur

سازمان دهنده

instaurateur

برپا کننده

importateur

وارد کننده

exportateur

صادر کننده

emouvant

تهییج کننده

ecrasant (majorité écrasante)

خرد کننده (اکثریت خرد کننده)

مثال برای صفات نسبی :

doré

طلایی

infectueux

عفونی

administrative

اداری

legal

قانونی

illegal

غیر قانونی

Artificiel

مصنوعی

modéré

اعتدالی

economique

اقتصادی

militaire

نظامی

بکار بردن صفت عددی اصلی بجای صفت عددی ترتیبی نیز از ویژگیهای فارسی معاصر است که از زبانهای فرنگی اقتباس شده است . مثال

le page dix	صفحه دهم
le numero dix neuf	نمره نوزدهم
l'article trois cent trente	بند سیصد و سی و ام

استعمال صفت عددی کسری بصورت يك دوم ، يك سوم ، يك چهارم ، سه پنجم و مانند آنها نیز اثر ترجمه از زبانهای غربی است . مثال :

le trois septième	سه هفتم
un seizième	يك شانزدهم
un deuxième	يك دوم
un quatrième	يك چهارم
un troisième	يك سوم

ج - قيود

بسیاری از قيود و عبارات قيدي فارسی معاصر تازگی دارند و ترجمه از واژه های فرانسوی یا انگلیسی هستند . قيود فرانسوی و انگلیسی در زبان ما گاه با پسوند «انه» ترجمه شده اند مانند :

<u>فرانسه</u>	<u>انگلیسی</u>	
malheureusement	unfortunately	بدبختانه
heureusement	fortunately	خوشبختانه
librement		آزادانه
imperativement		آمرانه
curieusement		کنجکاوانه

گاه با نیز با تنوین ترجمه شده اند و این مورد در نشر معاصر فراوان است و عده بیشماری از قيود تنوین دار فارسی امروز ترجمه قیدهای فرانسوی و انگلیسی اند و البته این امر را باید از تسآثیرات نامطلوب زبانهای بیگانه در فارسی شمرده در آثار قدیم قيود با تنوین بسیار اندك بکار میرفته اند . مثال برای اینگونه قيود :

dernièrement	اخیراً
exceptionnellement	استثنا
completement	كاملاً
necessairement	لزوماً
assurancement, certainement	مطمئناً
exactement. correctement	صحیحاً

گاه نیز قیود فرنگی با «از نظر» و «از لحاظ» و بصورت عبارت قیدی ترجمه شده‌اند :

<u>فرانسه</u>	<u>انگلیسی</u>	<u>فارسی</u>
Economiquement	Economically	از لحاظ اقتصادی
logiquement		از نظر منطقی ، از لحاظ منطقی
	Phisically	از نظر جسمی

گاه نیز با «بطور» ترجمه شده‌اند :

<u>فرانسه</u>	<u>انگلیسی</u>	<u>فارسی</u>
largement	largely	بطور وسیع
Inegalement		بطور نامساوی
infatigablement		بطور خستگی ناپذیر
remarquablement		بطور قابل ملاحظه

گاه با «به» ترجمه گردیده‌اند :

<u>فرانسه</u>	<u>انگلیسی</u>	<u>فارسی</u>
simplement		بسادگی
recemnt	recently	بتازگی

گاه نیز برخی از قیود فرنگی بجزد صورت به فارسی ترجمه شده‌اند مانند :

directement		مستقیماً ، بطور مستقیم
indirectement		بطور غیر مستقیم ، غیر مستقیم

این عبارات و متمم‌های قیدی نیز ترجمه از زبانهای فرنگی هستند :

avec succès		باموفقیت
avec avidité		باولع
dans l'état de present		در حال حاضر
dans la pratique		در عمل
dans quelle mesure		درجه میزانی ، بجه میزان
tour à tour		نوبه به نوبه
en apparence		در ظاهر
en consèquence		در نتیجه
à bras ouvert		با آغوش باز